

جایگاه مطالعات جنوب شرق آسیا در پژوهش‌های دانشگاهی و آسیب‌شناسی آن

علی باقری دولت‌آبادی^۱

دانشیار روابط بین‌الملل دانشگاه یاسوج

سید سجاد سجادی صفت

دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه یاسوج

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۱۷ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۷/۲/۱۰)

چکیده

یکی از حوزه‌هایی جغرافیایی که در دو دهه اخیر مورد توجه پژوهشگران روابط بین‌الملل قرار گرفته، حوزه جنوب شرق آسیاست. دلیل اصلی این مسئله به نقش چین و کشورهای این منطقه در اقتصاد جهانی و مسائل استراتژیک و ژئوپلیتیک منطقه بازمی‌گردد. با توجه به این اقبال عمومی سوالی که مطرح می‌شود این است که در ایران موضوعات مربوط به جنوب شرق آسیا تا چه حد مورد توجه و علاقه پژوهشگران و دانشگاهیان رشته روابط بین‌الملل و زیرشاخه‌های آن قرار گرفته است؟ این پژوهش‌ها چه نقاط ضعف و قوتی دارند؟ فرضیه پژوهش این است که دانشگاهیان ایران طی دو دهه اخیر چندان علاقه‌ای به پژوهش در حوزه جنوب شرق آسیا نشان نداده‌اند. برای بررسی سوال و فرضیه مذکور از دو روش کمی و کیفی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد حوزه جنوب شرق آسیا به نسبت حوزه خاورمیانه، اروپا و آمریکا کمتر مورد توجه جامعه علمی ایران قرار گرفته و مقالات منتشرشده به لحاظ رویکرد نظری، روش تحقیق، سناریونویسی و پیش‌بینی آینده ضعف دارند.

واژه‌های کلیدی

پژوهش، جنوب شرق آسیا، چین، دانشگاه، روابط بین‌الملل، علوم سیاسی.

مقدمه

یکی از جذابیت‌های رشته روابط بین‌الملل برای دانشجویان و پژوهشگران، به‌روز بودن تحولات آن و سروکار داشتن با مسائل عینی و کاربردی است. به همین سبب اقبال به این رشته به‌ویژه از سوی دانشجویان سایر رشته‌های دانشگاهی طی سال‌های اخیر رشد بیشتری پیدا کرده است. این مسئله هم در افزایش تعداد دانشگاه‌های دارای این رشته در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری و هم در تعداد فصلنامه‌ها و مجلات معتبر علمی مرتبط با این رشته کاملاً محسوس و ملموس است. نگاه اجمالی به فهرست مجلات معتبر علمی اعلام شده از سوی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در آبان ۱۳۹۵ نشان می‌دهد از مجموع ۴۷ فصلنامه ذکر شده ذیل عنوان علوم سیاسی، ۲۷ مورد آن به‌صورت تخصصی در رشته‌های روابط بین‌الملل و زیرمجموعه‌های آن مقاله منتشر می‌کنند (فهرست نشریات علمی دارای اعتبار، ۱۳۹۵)؛ این جدای از فصلنامه‌هایی است که ممکن است حالت بین‌رشته‌ای داشته باشند و گاه پژوهش‌های روابط بین‌الملل را هم پوشش دهند. افزودن این مجلات به فهرست مذکور تعداد آنها را شاید به عدد ۳۵ نیز نزدیک کند. همچنین آمار اعلام شده از سوی سازمان سنجش کشور در سال ۱۳۹۵ میزان پذیرش مقطع کارشناسی ارشد رشته روابط بین‌الملل در دانشگاه‌های سراسری را ۵۵۴ نفر اعلام کرده است که نسبت به یک دهه قبل (که زیر ۱۰۰ نفر بود) رشد چشمگیری را نشان می‌دهد (ر.ک: دفترچه کنکور کارشناسی ارشد ۱۳۹۵، سایت سازمان سنجش). این موج عظیم دانشجویان و همچنین تعداد فصلنامه‌های تخصصی این توقع و انتظار را ایجاد می‌کند که پژوهشگران این حوزه همه مسائل مربوط به جهان را به زیر بوته نقد و تحلیل ببرند و راهکارهای عملی و کاربردی به دستگاه دیپلماسی کشور پیشنهاد دهند.

یکی از حوزه‌های جغرافیایی که طی یک دهه گذشته توجه به آن از سوی پژوهشگران بین‌المللی افزایش پیدا کرده، جنوب شرق آسیاست. این توجه بیش از هر چیز مرهون ظهور چین به عنوان ابرقدرت بالقوه و رشد اقتصادی خیره‌کننده کشورهای جنوب شرق آسیاست (چگنی‌زاده، ۱۳۸۶: ۱۶). رشد اقتصادی چین در سه ماهه اول سال ۲۰۱۸، ۶/۸ درصد بوده است؛ رقمی که اگرچه به نسبت دو ماه آخر سال ۲۰۱۷ یک دهم درصد کاهش نشان می‌دهد همچنان بالاترین رشد اقتصادی در جهان است (Trading Economics, 2018). در حال حاضر سیستم سیاسی اقتصادی چین مجهزتر و شاید حتی پایدارتر از مدل آمریکایی است که از زمان پایان جنگ جهانی دوم بر سیستم اقتصادی جهان حکمرانی کرده است. براساس گزارش مرکز مطالعات اقتصاد و بازرگانی، درحالی‌که اقتصاد ایالات متحده همچنان بزرگ‌ترین در جهان است، توانایی چین برای استفاده از شرکت‌های دولتی در راستای تقویت نفوذ داخلی و

خارجی حزب حاکم به‌نحوی است که پیشرفت این غول در حال ظهور جهت پیشی گرفتن از تولید ناخالص داخلی ایالات متحده در سال ۲۰۲۹ را تضمین می‌کند (Bremmer, 2017).

افزایش قدرت چین می‌تواند نوع خاصی از روابط و الگوی رفتاری میان قدرت‌های بزرگ را به‌وجود آورد و سمت‌وسوی تحولات جهانی را تغییر دهد. سؤال اصلی که در اینجا مطرح می‌شود این است که با توجه به شرایط مذکور پژوهش‌های استادان، پژوهشگران و دانشجویان ایرانی تا چه حد به سمت جنوب شرق آسیا سوق پیدا کرده است؟ این پژوهش‌ها به لحاظ کیفی چه خصوصیتی دارند؟ مشکلات و موانع احتمالی پیش رو در این زمینه چیست؟ اگر قرن بیست‌ویکم قرن چین و کشورهای جنوب شرق آسیا باشد، آیا میزان توجه به این حوزه در ایران کافی و جوابگوی نیاز آینده است؟ فرضیه اصلی پژوهش به این نکته اشاره دارد که حوزه جنوب شرق آسیا هنوز نتوانسته جایگاه خود را در مطالعات علمی و دانشگاهی ایران بیابد؛ از این رو ایران در آینده برای فهم رفتارهای چین در عرصه سیاست خارجی با ضعف داده‌ها و کمبود کارشناس مواجه خواهد شد. همچنین پژوهش‌های حال حاضر نمی‌تواند ابعاد سیاست‌های چین در حوزه بین‌الملل را بازگو کند و صرفاً به حوزه‌هایی خاص محدود می‌شود. برای انجام پژوهش حاضر از دو روش کمی و کیفی استفاده شده است. این امر موجب ساماندهی مقاله در دو بخش آماری و تحلیلی شده است، به‌نحوی که پس از بیان پیشینه پژوهش و سنت‌های پژوهشی در روابط بین‌الملل ابتدا جایگاه مطالعات و پژوهش‌های جنوب شرق آسیا در مجلات تخصصی حوزه روابط بین‌الملل ارزیابی شده، آنگاه با توجه به پی بردن به ضعف بودن نتایج در این خصوص به تحلیل وضعیت پیش‌آمده پرداخته شده است. برای ارزیابی پژوهش‌ها داشتن رویکرد نظری، روش تحقیق مناسب، داشتن تجویز و راهکار، داشتن پیش‌بینی در خصوص حوادث آینده و سناریونویسی مورد توجه قرار گرفته است. در بخش تحلیل نیز عواملی همچون کمبود منابع، ناآشنایی با زبان‌های رایج در جنوب شرق آسیا، جذاب نبودن موضوعات، نبود فصلنامه‌های تخصصی، کمبود استادان متخصص و نبود واحد درسی در سرفصل‌های درسی دانشجویان به‌عنوان بخشی از دلایل به‌وجود آمدن وضعیت یادشده شناسایی شده است.

پیشینه پژوهش

در انجام هر پژوهش گام نخست دانستن قدم‌های برداشته‌شده از سوی محققان قبلی و تکمیل آنهاست. بر این اساس مهم‌ترین پژوهش‌های انجام‌گرفته درباره موضوع اصلی مقاله رصد شدند. یافته‌ها نشان داد که با وجود انجام برخی پژوهش‌ها درباره ارزیابی فعالیت‌های پژوهشی رشته روابط بین‌الملل در خصوص حوزه مطالعاتی جنوب شرق آسیا در ایران هیچ اثر مستقلاً

به فارسی و انگلیسی منتشر نشده است. سایر تحقیقات مرتبط با موضوع پیش رو عبارت بودند از: مقاله «ارزیابی میزان کاربست روش سناریونویسی در پژوهش‌های روابط بین‌الملل در ایران» نوشته علی‌اشرف نظری، فاطمه محروق و امیر عباسی خوشکار که به بررسی آینده‌شناسی، روش‌شناسی و محتواشناسی مقالات پژوهشی تولیدشده در دوره زمانی ۱۳۸۸-۱۳۹۲ با استفاده از رویکرد تحلیل روند پرداخته است (نظری و همکاران، ۱۳۹۳).

کاووس سید امامی نویسنده دیگری است که در پژوهشی با موضوع «جای خالی پژوهش‌های تجربی در علوم سیاسی ایران» به بررسی هفت نشریه تخصصی علوم سیاسی به زبان فارسی پرداخته است. یافته‌های وی نشان می‌دهد که ۸۲ درصد مقالات متکی به منابع کتابخانه‌ای است. مقاله‌هایی که در حد چشمگیر از یافته‌های تجربی موجود بهره گرفته‌اند، ۶ درصد بوده است (سید امامی، ۱۳۸۹).

حمیرا مشیرزاده و حیدرعلی مسعودی در پژوهش دیگری با عنوان «دانش نظری دانشجویان روابط بین‌الملل، مطالعه‌ای آسیب‌شناختی» به بررسی ضعف نسبی دانش نظری دانشجویان رشته روابط بین‌الملل در سه مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و مقطع دکتری پرداخته‌اند (مشیرزاده و مسعودی، ۱۳۹۰).

روش پژوهش

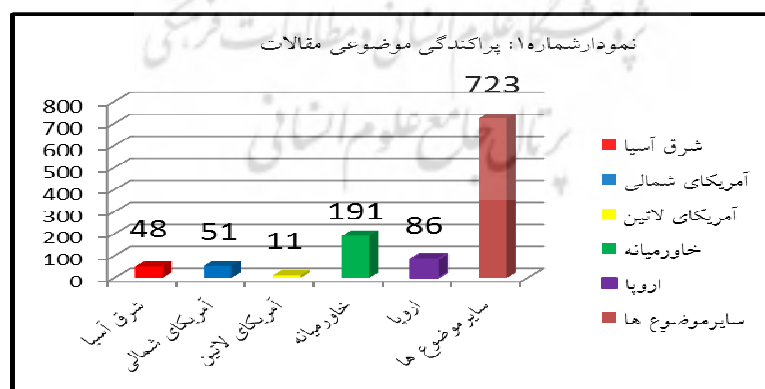
روش پژوهش حاضر از دو بخش تشکیل شده است؛ بخش اول کمی و آماری و بخش دوم توصیفی-تحلیلی. در بخش آماری سعی شده تا از مجموع ۲۷ فصلنامه تخصصی مشغول به فعالیت در حوزه روابط بین‌الملل، مقالات ۵ فصلنامه یعنی فصلنامه سیاست، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، فصلنامه مطالعات روابط بین‌المللی آزاد واحد مرکز و فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، در دوره زمانی سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۰ بررسی شوند. برای این کار ابتدا تعداد مقالاتی که در این دوره زمانی منتشر شده‌اند، رصد شد و برحسب موضوع و محتوا مقالات در شش گروه حوزه شرق آسیا، آمریکای شمالی، آمریکای لاتین، اروپا، خاورمیانه و سایر موضوعات جای گرفتند. از مجموع ۱۱۱۰ مقاله، سهم حوزه شرق آسیا ۴۸ مقاله، آمریکای شمالی ۵۱ مقاله، آمریکای لاتین ۱۱ مقاله، خاورمیانه ۱۹۱ مقاله، اروپا ۸۶ مقاله و ۷۲۳ مقاله دیگر به سایر موضوعات روابط بین‌المللی اعم از حقوق بین‌الملل، سازمان‌ها، نظریه‌ها و مسائل اقتصاد یا امنیت جهانی پرداخته بودند. در مرحله بعد پژوهش‌های انجام‌گرفته در حوزه جنوب شرق آسیا از لحاظ کیفی ارزیابی شدند. داشتن رویکرد نظری، روش پژوهش، داشتن پیش‌بینی، تجویز و سناریو برای آینده، بخشی از شاخص‌های ارزیابی این پژوهش‌ها بودند. در مرحله نهایی موانع و

کاستی‌های پیش روی این پژوهش‌ها به صورت کیفی و با روش توصیفی-تحلیلی به بحث گذاشته شدند.

یافته‌های پژوهش

تحلیل آماری

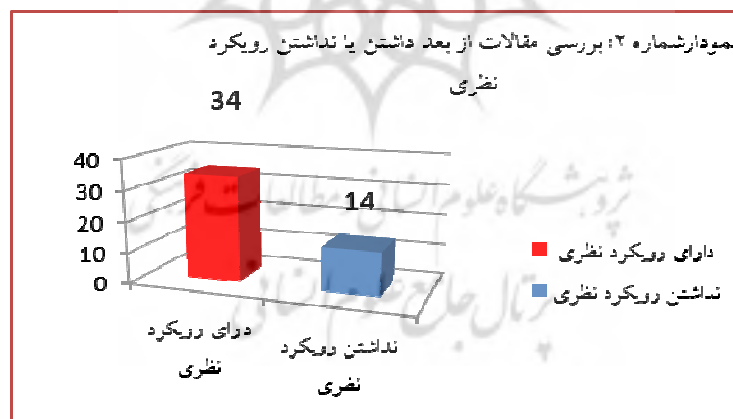
همان‌گونه که گفته شد، در دوره زمانی ۱۳۹۶-۱۳۹۰ تعداد ۱۱۱۰ مقاله در ۵ فصلنامه مورد بررسی به چاپ رسیده است. از این تعداد ۴۸ مقاله مربوط به حوزه شرق آسیاست. این رقم برای دیگر حوزه‌ها مانند آمریکای شمالی ۵۱ مقاله، آمریکای لاتین ۱۱ مقاله، خاورمیانه ۱۹۱ مقاله، اروپا ۸۶ مقاله و سایر موضوعات (مباحث امنیتی، حقوق، سازمان‌ها و...) ۷۲۳ است. از این رو در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش در خصوص توجه و علاقه پژوهشگران و دانشگاهیان رشته روابط بین‌الملل و زیرشاخه‌های آن به مطالعات جنوب شرق آسیا باید گفت همان‌گونه که در نمودار ۱ نیز نشان داده شده، پژوهش‌های منتشرشده گویای رتبه پنجم جنوب شرق آسیا در تحقیقات پژوهشگران است. به عبارت دیگر، پژوهشگران ایرانی در رتبه اول علاقه دارند به موضوعات خاورمیانه، سپس اروپا، بعد آمریکا و در نهایت چین و جنوب شرق آسیا بپردازند. حتی برای آنها پرداختن به موضوعاتی مثل سیاست خارجی، مباحث امنیتی، حقوق بین‌الملل و سازمان‌ها و سایر موضوعات اهمیتی بیشتر از شرق آسیا دارد. این در حالی است که در جنوب شرق آسیا موضوعاتی همچون بحران کره شمالی، رقابت‌های اقتصادی ژاپن و چین، تروریسم و خشونت، ظهور چین به عنوان ابرقدرت آینده جهان و حضور آمریکا در این منطقه همچنان داغ و جذاب‌اند و توجه پژوهشگران غربی را به خود معطوف ساخته‌اند (see: Womack, 2017: 383-401).



این مسئله حتی می‌تواند موجب نگرانی نیز باشد، زیرا درحالی‌که اهمیت جنوب شرق آسیا در اقتصاد جهانی رو به افزایش است و در آینده نزدیک باید با ابرقدرت نوظهور چین در جهان روبه‌رو شویم، همچنان شناخت ما از این منطقه سطحی است و پژوهش‌های جدی درباره آن انجام نگرفته است. اما در پاسخ به پرسش دوم پژوهش یعنی کیفیت آثار تولیدشده، ناگزیریم آن را با چند شاخص ارزیابی کنیم تا شناخت صحیح‌تری به دست آید.

بهره‌گیری از رویکرد نظری

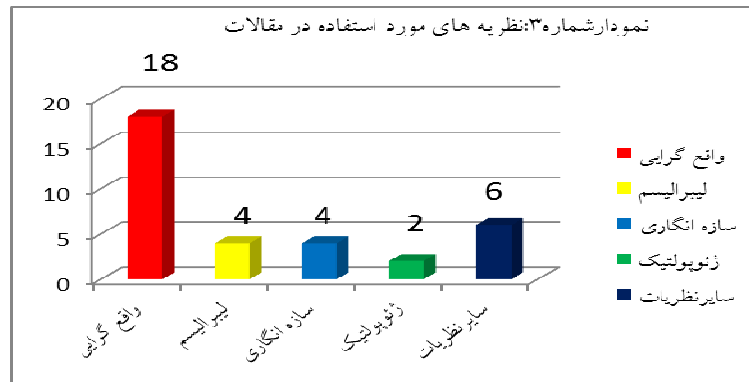
از مهم‌ترین دستاوردهای هر رشته علمی یا حوزه مطالعاتی دستاوردهای نظری آن است. نظریه‌ها به بیان واسکز شناخت را در یک هم نهاد ترکیب می‌کنند و جهان را با ایجاد ارتباط میان پدیده‌هایی که ظاهراً نامرتب و بی‌معنا هستند، برای ما معنادار می‌کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۵-۶). پس به میزانی که پژوهش‌های علمی از رویکردهای نظری برخوردار باشند، می‌توان آنها را در تحلیل و تبیین وقایع و حتی پیش‌بینی آینده موفق‌تر دانست. همچنان که در نمودار ۲ نشان داده شده است، نگاهی به مقالات منتشرشده در پنج فصلنامه مورد بررسی نشان می‌دهد از مجموع ۴۸ مقاله، ۳۴ مورد آن دارای رویکرد نظری و چهارده مقاله فاقد رویکرد نظری بوده‌اند. این مسئله نشان‌دهنده توجه به نظریه‌های روابط بین‌الملل در مقالات تخصصی و بحث‌های علمی مربوط به جنوب شرق آسیاست.



اما نکته بعدی این است که آیا در استفاده از رویکردهای نظری تنوع کافی و لازم دیده می‌شود؟ کدام نظریه‌ها در این زمینه پرکاربرد و کدام یک مورد غفلت واقع شده‌اند؟ همان‌گونه که در نمودار ۳ نمایش داده شده، از میان ۳۴ مقاله دارای رویکرد نظری سهم نظریه واقع‌گرایی

۱۸ مورد، لیبرالیسم ۴ مورد، سازه‌انگاری ۴ مورد، ژئوپولیتیک ۲ مورد و سایر نظریات ۶ مورد بوده است. این امر گویای این واقعیت است که رئالیسم و زیرشاخه‌های آن با فاصله بسیار زیاد از سایر نظریات از اهمیت بیشتری نزد پژوهشگران ایرانی برخوردار است. این در حالی است که نظریه‌هایی همچون اقتصاد سیاسی بین‌الملل، نهادگرایی لیبرال، سازه‌انگاری، نظریه‌های فرهنگی و... که در پژوهش‌های خود چینی‌ها اقبال بیشتری به آن وجود دارد، در ایران کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند (وانگ، ۱۳۹۰: ۲۴۸). به عبارت دیگر، همچنان که در عرصه نظریه پردازی نظریه واقع‌گرایی سایه سنگین خود را بر سایر نظریه‌ها حفظ کرده و آنها را به حاشیه رانده است (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۱۰)، در عرصه کاربرد و استفاده نیز ذهن مخاطبان ایرانی را تسخیر کرده است. این در حالی است که نظریاتی همچون سازه‌انگاری و اقتصاد سیاسی بین‌الملل نشان داده‌اند از توان بیشتری برای توضیح وقایع و رخداد‌های بیرونی برخوردارند. این مسئله موجب می‌شود تا بتوان گفت پیش‌بینی سی سنگتان درباره پژوهش‌های صورت‌گرفته در مورد جنوب شرق آسیا که اغلب آن را با رویکردهای بدبینانه غربی توضیح می‌دهند، درست از آب در بیاید. آنجا که اشاره می‌کند «این دسته از دانشوران غربی واقعیت‌های آسیا از جمله جنوب شرق آسیا را بد فهمیده‌اند» (تان، ۱۳۹۰: ۲۷۶).

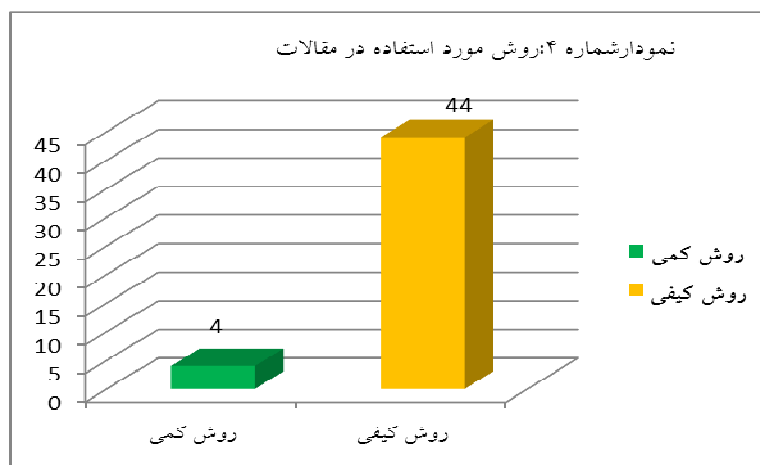
به سخن دیگر، تکیه بیش از حد پژوهشگران بر یک یا دو نظریه عملاً قدرت مانور و خلاقیت را از آنان سلب کرده است. پژوهشگران ایرانی بیشتر به سراغ نظریاتی می‌روند که در توضیح مسائل سهل‌الوصول‌ترند و نه نظریه‌هایی که پیچیدگی بیشتری دارند. به همین سبب مشکلات جدی در فهم و برقراری عملی رابطه میان نظریه و پژوهش‌های صورت‌گرفته در حوزه جنوب شرق آسیا مشاهده می‌شود. در حقیقت همان گونه که مشیرزاده و مسعودی (۱۳۸۹: ۱۶۴) نیز در خصوص استفاده از رویکرد نظری در مقالات فارسی تأیید کرده‌اند، «نه پژوهش به شکل مستقیم متکی بر گزاره‌ها و فرضیه‌های نظریه است و نه در جهت تکمیل نظریه گامی برداشته می‌شود، نه تعیین شرایط صدق و کذب نظریه‌ها مدنظر است، نه به محک زدن نظریه یا گزاره‌های خاصی در آن توجه می‌شود و نه توجهی به نظریه‌پردازی زمینه‌مند (نیل به نظریه از طریق مطالعه تجربی) وجود دارد».



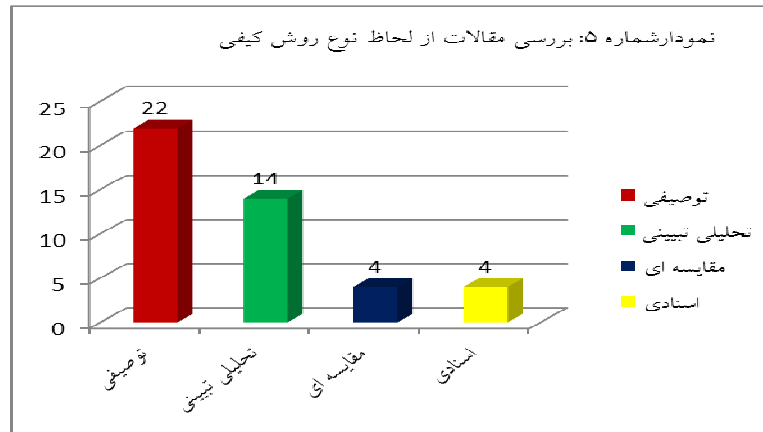
روش تحقیق

آنچه با نام روش تحقیق شناخته شده، به کارگیری فنون و راه‌های تحقیق است. مجموعه فعالیت‌هایی که از شروع تا پایان یک فرایند پژوهشی صورت می‌گیرد، از جمله طرح پژوهش، گردآوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها، روش تحقیق را تشکیل می‌دهند. برخلاف علوم طبیعی که هیچ‌گاه در یک زمان بیش از یک راه واحد برای مواجه شدن با پدیده‌های طبیعی ندارند، علوم انسانی در یک زمان واحد راه‌های متعددی برای انجام تحقیق داشته است. این به علت وجود تعدد رهیافت یعنی تعدد در مبانی فکری، تعابیر، تعاریف و پاسخ به چستی امر انسانی - اجتماعی و چگونگی مواجهه با پدیده‌ها و نیز تجزیه و تحلیل داده‌هاست (منوچهری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱). به طور کلی روش‌های مورد استفاده در امر پژوهش را در دو قالب کلی کمی و کیفی می‌توان جای داد. در میان روش‌های کیفی نوع توصیفی اغلب در مقالات پژوهشی رشته‌های علوم انسانی بیشتر استفاده می‌شود.

همان‌گونه که در نمودار ۴ نشان داده شده است، بررسی روش‌های پژوهشی استفاده شده در ۴۸ مقاله منتشر شده گویای آن است که از مجموع این مقالات تعداد ۴۴ مقاله از روش‌های کیفی بهره جسته‌اند و سهم روش‌های کمی ۴ مقاله بوده است.



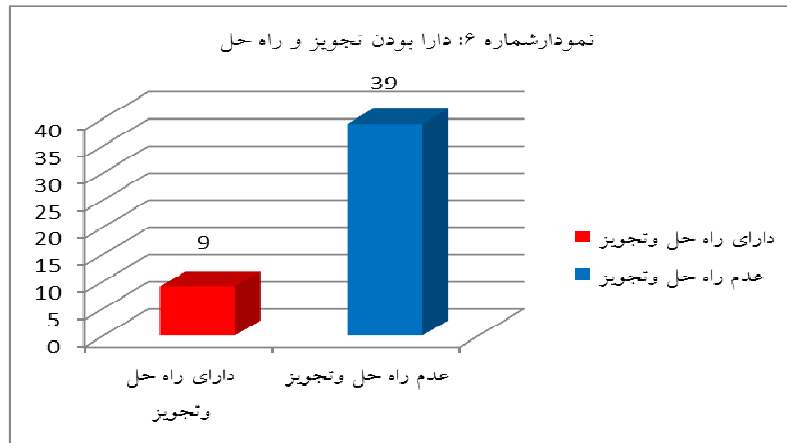
همچنین از میان ۴۴ مقاله‌ای که از روش‌های کیفی استفاده شده است، سهم روش کیفی از نوع توصیفی ۲۲ مقاله، تحلیلی-تبیینی ۱۴ مقاله، مقایسه‌ای ۴ مقاله و اسنادی ۴ مقاله بوده است. به عبارت دیگر، روش‌های کیفی به نسبت روش‌های کمی (با توجه به پیچیدگی فهم در حوزه علوم انسانی و مشکل بودن ارائه داده‌ها) بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. بخشی از دلیل این مسئله به محدودیت‌های معرفت‌شناختی پارادایم پوزیتیویستی و محدودیت‌های روش‌شناختی روش کمی بازمی‌گردد (منوچهری و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۵۹). اما نکته شایان تأمل، نوع روش کیفی مورد استفاده است. متأسفانه درحالی که پژوهش‌های تحلیلی - تبیینی به لحاظ فهم واقعیت‌های بیرونی و پیش‌بینی آینده کارایی بیشتری از خود نشان داده‌اند، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد جریان غالب در مقالات منتشرشده استفاده از روش توصیفی بوده است. اگرچه این تحقیقات در نوع خود بی‌فایده نیستند، نمی‌توانند سهم چندانی در توسعه علمی در جامعه ایفا کنند و اغلب برای زمانی که میزان اطلاعات درباره یک مسئله در حد بسیار پایینی قرار داشته باشد، به کار می‌روند.



همچنین یافته‌های مذکور نشان می‌دهد میزان اسناد در دسترس برای پژوهشگران بسیار کم بوده است. کمبود منابع و دشواری این روش موجب شده تا به جای روش اسنادی پژوهشگران راه‌های سهل‌الوصول‌تر را برگزینند و از آنها برای تحلیل موضوع مورد نظر خود بهره‌گیرند.

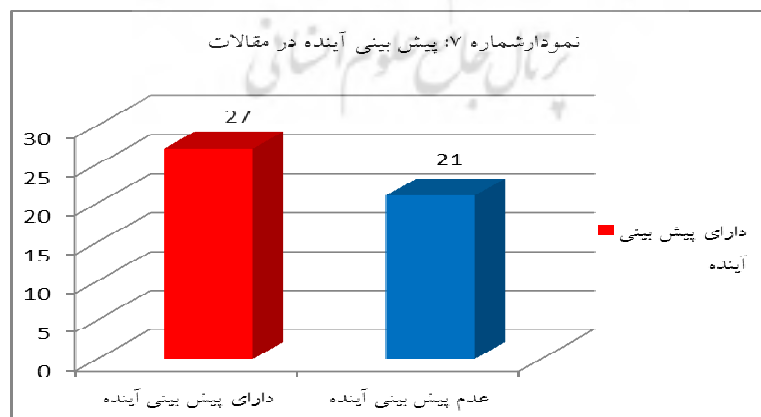
داشتن تجویز و راهکار

ارائه راه حل برای حل مشکلات مختلف ملی و بین‌المللی، از مؤلفه‌های مهم ارزیابی پژوهش‌های علمی به‌شمار می‌رود. اگرچه در کل رشته‌های علوم انسانی به نسبت علوم طبیعی در این بعد ضعف و سستی مشاهده می‌شود، تجربه نشان داده است برخی از رشته‌های علوم انسانی همچون روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و اقتصاد در این راه موفق‌تر عمل کرده‌اند. حال سؤال این است که آیا پژوهش‌های انجام‌گرفته در خصوص جنوب شرق آسیا این قابلیت را دارند که مشکلی از مشکلات وزارت امور خارجه را برطرف کنند یا به توسعه این دانش در کشور بینجامند. بررسی‌های انجام‌گرفته در خصوص ۴۸ مقاله مورد مطالعه که در نمودار ۶ آمده است، نشان می‌دهد ۳۹ مقاله فاقد راه حل و تجویز بوده و فقط ۹ مقاله به این بعد توجه کرده‌اند. این مسئله به‌خوبی نشان می‌دهد که غالب پژوهش‌های رشته روابط بین‌الملل با حوزه کاربردی سازی بیگانه‌اند. به عبارت دیگر، بین آنچه در دانشگاه تدریس و پژوهش می‌شود و نیازهای جامعه فاصله‌ای عمیق وجود دارد (رک: قاسمی، ۱۳۸۸: ۲۱۵-۱۸۵). به بیان مجید بزرگمهری «بخش زیادی از مباحث علم سیاست در ایران جنبه انتزاعی و موارد اندکی از آن، وجه کاربردی دارند» (بزرگمهری، ۱۳۸۷: ۶۷-۴۷).



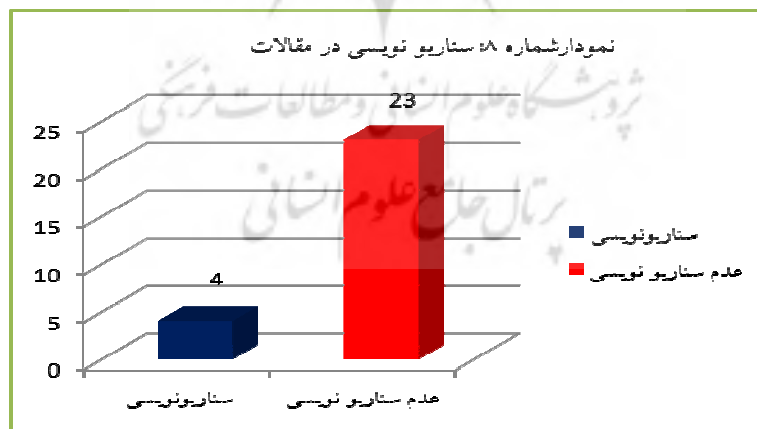
توجه به پیش‌بینی حوادث آینده

با وجود سنت‌گرایان در روابط بین‌الملل کوشش رفتارگرایان برای قانونمند کردن رفتارها و افزایش قدرت پیش‌بینی رفتار انسان را موفقیت‌آمیز نمی‌دانند (سیف‌زاده، ۱۳۷۸: ۳۷). گرایش کنونی در مطالعات روابط بین‌الملل به سمت استفاده از شیوه‌هایی است که بتواند آینده را برای سیاستمداران پیش‌بینی پذیر سازد. یافته‌های به‌دست‌آمده در بررسی ۴۸ مقاله پژوهش حاضر که در نمودار ۷ منعکس شده است، نشان می‌دهد که ۲۷ مورد از مقاله‌ها دارای پیش‌بینی آینده و ۲۱ مقاله فاقد این خصوصیت بوده‌اند. به عبارت دیگر، حدود نیمی از پژوهش‌ها همچنان به شیوه سنت‌گرایی عمل می‌کنند. این دست از پژوهش‌ها اگرچه در جای خود ارزش دارند، نمی‌توانند کمک چندانی به سیاستمداران برای تأمین منافع ملی و شناسایی آن کنند، چراکه «هوشمندانه‌ترین رویکرد انسان‌ها و جوامع، آماده شدن برای رویارویی با رخدادهای پیش‌بینی‌ناپذیر و رفتن به پیشواز آینده است» (خزایی و محمودزاده، ۱۳۹۲: ۴).



سناریونویسی

سناریو به تصویر کشیدن احتمالات آینده و تحلیل و شناخت متغیرهای محیطی پیچیده است. سناریوها به عنوان روشی برای آینده‌نگاری، ابزارهایی برای کمک به ما در اتخاذ تصمیم‌های دورنگرانه با عدم قطعیت بالا هستند که امکان یکپارچه‌سازی آینده‌های میان‌مدت و بلندمدت را با برنامه‌ریزی‌های راهبردی کوتاه‌مدت و میان‌مدت فراهم می‌کنند (نیوری‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۴۲). اگرچه سناریونویسی به عنوان روشی برای برنامه‌ریزی‌های دفاعی امنیتی از بعد از جنگ جهانی دوم به دستور کار پژوهشی غرب اضافه شد، ورود آن به عرصه پژوهش‌های روابط بین‌الملل همچنان با مقاومت همراه است، به گونه‌ای که نئومان و ورلاندت معتقدند «پژوهشگران روابط بین‌الملل تمایل دارند تا استدلال‌هایی را برجسته سازند که بیشتر به گذشته برمی‌گردد» (Neomann & Verlandet, 2004: 258). در ایران نیز این تمایل به خوبی احساس می‌شود، به نحوی که با وجود متضمن پیش‌بینی آینده بودن بیش از نیمی از پژوهش‌های صورت‌گرفته در خصوص جنوب شرق آسیا، اما سنت سناریونویسی در آنها مورد غفلت قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که از مجموع ۲۷ مقاله‌ای که دارای پیش‌بینی آینده بودند و در نمودار ۸ هم نمایش داده شده است، ۲۳ مورد فاقد سناریو و فقط ۴ مقاله به سناریونویسی به صورت علمی پرداخته‌اند. این نتیجه یافته‌های پژوهشگران دیگر (نظری و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰-۹). در این زمینه را تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که محققان ایرانی در پژوهش‌های خود کمتر به سراغ آینده‌پژوهی می‌روند و هنگامی که دست به آینده‌پژوهی می‌زنند، این آینده‌پژوهی با رویکردهای تجویزی درهم‌تنیده می‌شود و تشخیص این دو از یکدیگر را دشوار می‌سازد.



تحلیل تبیینی

پرسش مهم دیگری که در اینجا باید به آن پاسخ گفته شود، دلیل توجه ناکافی پژوهشگران به حوزه جنوب شرق آسیا و ضعف در پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص آن است. به نظر می‌رسد عوامل متعددی در بروز این وضعیت مؤثر و دخیل‌اند. برخی از مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از:

کمبود منابع مکتوب درباره جنوب شرق آسیا در ایران

با وجود همه تلاش‌های صورت گرفته توسط محققان و مترجمان ایرانی در خصوص چاپ کتاب و آثار مختلف درباره جنوب شرق آسیا، همچنان این حوزه از ضعف جدی رنج می‌برد. با جست‌وجوی ساده در کتابخانه ملی ایران که دربرگیرنده نسخه‌ای از همه کتاب‌های چاپ شده در همه حوزه‌هاست، نتایج شایان توجهی به دست می‌آید. همچنان که در جدول ۱ نشان داده شده، درحالی‌که تعداد کتاب‌های منتشر شده درباره چین ۱۵۸۴ مورد است، این تعداد برای اروپا تقریباً دو برابر (۲۵۷۹) و برای آمریکا ۱۰ برابر (۱۱۰۶۶) است. این رقم حتی برای سایر کشورهای جنوب شرق آسیا به ۱۰۰۰ جلد نیز نمی‌رسد (کتابخانه ملی ایران، ۱۳۹۶/۰۹/۲۱).

جدول ۱. تعداد کتاب‌های چاپ شده در حوزه‌های مختلف

ردیف	نام کشور	تعداد کتاب
۱	کره جنوبی	۱۸۱
۲	ژاپن	۹۸۶
۳	چین	۱۵۸۴
۴	مالزی	۱۹۲
۵	اندونزی	۱۸۷
۶	آمریکا	۱۱۰۶۶
۷	اروپا	۲۵۷۹
۸	خاورمیانه	۲۶۸۰

(کتابخانه ملی ایران، ۱۳۹۶)

بخشی از این مسئله به روابط علمی نسبتاً ضعیف ایران با کشورهای جنوب شرق آسیا بازمی‌گردد (عرفان‌منش و دیدگاه، ۱۳۸۸: ۱۰۰)، درحالی‌که براساس رتبه‌بندی‌های بین‌المللی از جمله رتبه‌بندی تایمز، کشورهای هم‌چون چین، ژاپن، کره جنوبی، سنگاپور و مالزی، از جمله کشورهای هستند که دانشگاه‌های رتبه دار و مطرح در سطح جهانی دارند (عرفان‌منش و دیدگاه،

۱۳۸۸: ۹۴). با این حال مشارکت و همکاری علمی ایران با چنین کشورهایی بسیار ضعیف است و ماحصل آن به خوبی خود را در آثار منتشرشده نشان می‌دهد.

ناآشنایی پژوهشگران ایرانی با زبان‌های جنوب شرق آسیا و دشواری این زبان‌ها به نسبت زبان‌های انگلیسی و فرانسه

زبان انگلیسی از ابتدای قرن هفدهم میلادی با نفوذ استعماری انگلستان رفته‌رفته در تعداد زیادی از کشورها رواج یافت و به‌عنوان زبان حقوقی، آموزشی، ادبی، جایگاه مناسبی یافت، به طوری که در آغاز قرن بیست و یکم میلادی به یکی از زبان‌های پرکاربرد دنیا تبدیل شد و به‌عنوان زبان بین‌المللی معرفی شد. در کنار انگلیسی، زبان فرانسه نیز به موازات افزایش جایگاه بین‌المللی و استعماری پاریس توسعه پیدا کرد، به‌ویژه برای ما که در دوران گذشته از جمله دوره مشروطه بیشتر تحصیل‌کردگان کشورمان از فرانسه فارغ‌التحصیل شده بودند، وژگان زیادی از زبان فرانسه وارد زبان فارسی شد؛ برای نمونه مرسی، سشوار، مد، اتوماسیون، شوفاژ، آژانس، اپوزسیون و... این شرایط به‌طور طبیعی در یادگیری آسان‌تر این زبان تأثیر داشته است. این درحالی است که زبان چینی یا سایر زبان‌های جنوب شرق آسیا در ایران از چنین پیشینه‌ای برخوردار نیستند و همچنان نیز اقبال کمی به آن وجود دارد. بخشی از دلایل این امر به دشواری این زبان و بخشی دیگر به کاربرد اندک آن در سطح جهان و تعداد اندک مؤسسات آموزشی بازمی‌گردد. این مسئله حتی در سیاستگذاری‌های آموزشی کشورها به‌ویژه ایران تأثیرگذار بوده است. برای مثال بررسی دفترچه راهنمای انتخاب رشته آزمون سراسری سال ۱۳۹۵ که تحت نظارت سازمان سنجش و آموزش عالی کشور منتشر می‌شود، گویای این مطلب است که در ایران فقط سه دانشگاه به تدریس رشته زبان چینی می‌پردازند. از جمله این دانشگاه‌ها، دانشگاه تهران با ظرفیت پذیرش ۲۵ نفر، دانشگاه شهید بهشتی ۲۰ نفر، و دانشگاه علامه طباطبایی ۳۰ نفر هستند (دفترچه کنکور سراسری، ۱۳۹۵). به‌عبارت دیگر در ایران سالانه ۷۵ نفر در رشته زبان چینی فارغ‌التحصیل می‌شوند. بی‌شک وجود فرصت‌های شغلی جذاب و پردرآمدتر برای این افراد مانع از سوق یافتن آنها به کارهای دشوار و کم‌درآمدی همچون مترجمی خواهد شد و این امر پژوهشگران ایرانی را در یافتن آثار دست اول با مشکل مواجه می‌سازد. این در حالی است که با رشد شتابان چین و کشورهای جنوب شرق آسیا در حوزه اقتصاد و احتمالاً در آینده سیاست، نیاز به کسب دانش درباره این کشورها امری ضروری خواهد بود. در حال حاضر دولت چین صدها مؤسسه کنفوسیوس در مؤسسات آموزشی سرتاسر دنیا برای آموزش زبان خود تأسیس کرده است. در اجلاس ۲۰۱۵ شانگهای مطرح شد که مؤسسه کنفوسیوس چین تعداد ۵۰۰ نمایندگی در جهان زده است. در ۱۴۸ کشور جهان

نماینده رسمی دارد و همچنین ۳۵۰ دفتر نیز به صورت داوطلبانه راه‌اندازی شده است. ارائه کلاس‌های زبان و فرهنگ چینی که معلمان و برنامه‌های آن را دولت چین انتخاب و هزینه‌های آن را پرداخت می‌کند، از وظایف این مؤسسات است (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۵/۲/۲۱). این کار به چین کمک خواهد کرد تا بسترهای گسترش زبان خود را که یکی از فاکتورهای ارزیابی قدرت نرم آن محسوب می‌شود، فراهم کند.

جذاب نبودن موضوعات جنوب شرق آسیا برای نویسندگان

صرف نظر از دسترسی سخت به منابع مکتوب درباره جنوب شرق آسیا و ندانستن زبان این کشورها برای مطالعه آثار دست اول، جذابیت نداشتن موضوعات سیاسی در این بخش از جهان به نسبت تحولاتی که در خاورمیانه، اروپا یا آمریکا رخ می‌دهد، موجب شده تا پژوهشگران کمتر به سراغ این کشورها بروند. حوزه شرق آسیا به نسبت خاورمیانه از ثبات منطقه‌ای بیشتری برخوردار است. عموم این کشورها به نوعی تفاهم داخلی رسیده و راه توسعه را در پیش گرفته‌اند. هرچند بحران اتمی کره شمالی در چند سال اخیر به بحران امنیتی حاد در این منطقه تبدیل شده است، این بحران در برابر بحران‌های قومی، زبانی، دینی، اقتصادی، سیاسی و نظامی موجود در خاورمیانه چندان جذاب و دلربا نیست. برای ایرانیان پی بردن به راز کودتاها در مصر، پاکستان و ترکیه، دلایل ظهور و افول داعش، آینده عراق، سوریه، افغانستان و یمن، بحران جانشینی در عربستان، منازعه فلسطین و اسرائیل، سرانجام برجام و برآمدن رهبران جدید در قدرت‌های بزرگ و تأثیر سیاست‌های آنها در خاورمیانه، همچنان موضوعات داغ و در دسترس‌اند. از این رو تا زمانی که چنین موضوعات جذابی در منطقه وجود دارد و استادان و دانشجویان احاطه بیشتری به لحاظ علمی در آنها دارند، موضوعات جنوب شرق آسیا مهجور خواهد ماند.

نبود فصلنامه تخصصی در حوزه جنوب شرق آسیا

از مهم‌ترین موضوعات در دنیای علم و فناوری، دسترسی به منابع علمی معتبر با درجه کیفیت بالاست. مجلات تخصصی موجب فراهم آوردن بستری مناسب برای تبادل اطلاعات در زمینه پژوهش‌های علمی و تخصصی در میان پژوهشگران و اعتلای سطح دانش نظری و علمی است. پژوهشگران برای آگاهی از یافته‌های دیگران در زمینه موضوع پژوهشی خود به پایگاه‌های علمی معتبر مراجعه کرده و مقالات علمی مختلفی را که در مجلات معتبر چاپ شده‌اند، بررسی می‌کنند. این مسئله هم در دسترسی به منابع اهمیت دارد و هم در انعکاس یافته‌های پژوهشگران در جهان بیرون. از این رو یکی از راه‌های پژوهشگران برای ارائه

دستاوردهایشان، چاپ مقاله در انواع مجلات علمی معتبر است. متأسفانه با وجود گذشت ۱۱۸ سال از تأسیس مدرسه علوم سیاسی در ایران، هنوز هیچ مجله تخصصی در حوزه جنوب شرق آسیا وجود ندارد. این در حالی است که درباره سایر بخش‌های جهان علاوه بر چنین مجلاتی مراکز پژوهشی نیز وجود دارد (مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، مرکز مطالعات اوراسیای مرکزی، مؤسسه مطالعات فلسطین و...). این شرایط سبب شده تا پژوهشگران و نویسندگان تمایل چندانی برای نگارش مقاله درباره جنوب شرق آسیا نداشته باشند و حتی برای چاپ آثار خود با مشکل مواجه شوند. کما اینکه در حال حاضر مقالات مربوط به جنوب شرق آسیا در فصلنامه‌هایی با عناوین عام و گاه با اکراه منتشر می‌شوند، چراکه دست‌اندرکاران فصلنامه‌ها ترجیح می‌دهند مقالاتی را پذیرش کنند که در آینده خوانندگان بیشتری را به سمت خود جذب کرده و با ارجاع‌دهی بیشتر به آن شاخص و نمایه فصلنامه در سایر مجلات جایگاه بالاتری را کسب کند.

کمبود استادان متخصص در حوزه جنوب شرق آسیا و نبود مقطع دکتری تخصصی این رشته در ایران

در طول نیم قرن اخیر در محافل دانشگاهی و پژوهشی در جهان رشته آموزشی مطالعات منطقه‌ای اهمیت فزاینده‌ای یافته است و متناسب با آن بخش‌های مختلف جهان در قالب مطالعات تخصصی مورد توجه قرار گرفته‌اند. برای این کار علاوه بر به‌کارگیری استادان متخصص داخلی از استادان سایر کشورها نیز بهره گرفته شده است. در ایران نیز این حرکت از سال ۱۳۸۰ تحت عنوان گرایش مطالعات منطقه‌ای به‌عنوان یکی از گرایش‌های زیرمجموعه گروه روابط بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران شروع شد. در ادامه در سال ۱۳۸۶ گروه مطالعات منطقه‌ای این رشته آموزشی در این دانشکده دایر شد. در حال حاضر این رشته در مقطع دکتری در چهار گرایش، خاورمیانه و شمال آفریقا، آسیای مرکزی و قفقاز، اروپا و منطقه آمریکای شمالی (حوزه نفتا)، دانشجو می‌پذیرد. این در حالی است که در منطقه جنوب شرق آسیا مقطع دکتری برای پذیرش دانشجو به‌صورت تخصصی وجود ندارد. بخشی از مشکل مربوطه به کمبود استادان متخصص در این حوزه بازمی‌گردد. استادان حاضر در این رشته نیز اغلب فارغ‌التحصیل رشته روابط بین‌الملل یا زیرمجموعه‌های آن هستند و پایان‌نامه‌های خود را درباره جنوب شرق آسیا نگاشته‌اند. پس تا زمانی که استادان دارای مدرک تخصصی در این رشته و فارغ‌التحصیل دانشگاه‌های جنوب شرق آسیا وجود نداشته باشد و در مقاطع تحصیلات تکمیلی دانشجوی کافی تربیت نشود، نمی‌توان انتظار تحول جدی در خصوص پژوهش در حوزه جنوب شرق آسیا داشت. بالا بودن هزینه‌های جذب و به‌کارگیری

استادان خارجی و مسلط نبودن دانشجویان ایرانی به زبان انگلیسی نیز مانع دیگری است که امکان تغییر در شرایط کنونی را تقریباً دشوار می‌سازد.

نبود واحد درسی تخصصی-الزامی در سرفصل دروس برای دانشجویان

یکی دیگر از دلایل کمبود پژوهش در حوزه جنوب شرق آسیا، به عدم آشنایی صحیح دانشجویان مقطع کارشناسی از درس مسائل سیاسی شرق و جنوب شرق آسیا و عدم اخذ واحد درسی آن در برنامه انتخاب واحد ترمی خود بازمی‌گردد. در سرفصل درسی علوم سیاسی مصوب وزارت علوم تحقیقات و فناوری (۱۳۶۸) درس سیاست و حکومت در جنوب شرق آسیا در قالب دو واحد اختیاری برای دانشجویان تعریف شده بود. در سرفصل جدید مصوب ۱۳۹۶ این درس در قالب مسائل سیاسی شرق و جنوب شرق آسیا به ارزش دو واحد تکرار شده است در بسیاری از دانشگاه‌های ایران به دلیل نداشتن تخصص استادان برای تدریس این درس، اغلب این درس ارائه نمی‌شود و به جای آن دروسی همچون سیاست و حکومت در آمریکا، سیاست و حکومت در خاورمیانه و سیاست و حکومت در اروپا که آنها نیز اختیاری هستند، تدریس می‌شود. تدریس این سه درس به تنهایی ۶ واحد از ۱۰ واحد درس اختیاری دانشجویان را پوشش می‌دهد. این درحالی است که حتی برخی گروه‌های آموزشی علوم سیاسی در دانشگاه‌ها ممکن است سهم کمتری از ۱۰ واحد را به دروس اختیاری مربوط به حوزه روابط بین‌الملل اختصاص دهند و فضا برای همین دروس نیز تنگ شود.

در حال حاضر که دروس اختیاری در قالب پنج بسته (مسائل سیاسی ایران، مطالعات سیاسی اسلامی، مطالعات منطقه‌ای، مطالعات بین‌الملل و سیاستگذاری عمومی) به مجموع ۷۴ واحد ارائه شده، انتخاب ۱۰ واحد درسی از بین این دروس کار را دشوارتر ساخته است. در چنین بستری عملاً دانشجویان مقطع کارشناسی هیچ اطلاعات پایه‌ای درباره جنوب شرق آسیا پیدا نمی‌کنند که در مقطع تحصیلات تکمیلی بخواهند آن را عمیق‌تر سازند یا دست به پژوهش درباره آن زنند. از این رو آن دسته از دانشجویان نیز که در رساله ارشد یا تحقیقات کلاسی به این موضوعات روی می‌آورند، به نسبت هم‌تایان خود با مشکلات عدیده‌ای به‌هنگام جمع‌آوری منابع و نگارش مقاله مواجه می‌شوند. تجربیات این دانشجویان و بازگو کردن آن در جمع‌های خودمانی دانشجویی، خودبه‌خود این بی‌رغبتی را در دانشجویانی که ممکن است تمایلی به پژوهش در این زمینه داشته باشند، دامن خواهد زد.

نتیجه

در حالی که بسیاری از تحلیلگران معتقدند قرن بیست و یکم قرن چین و کشورهای جنوب شرق آسیاست و همه جهان باید خود را برای ظهور چین به عنوان یک ابرقدرت در آینده آماده کنند، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد پژوهش و دانش اندکی درباره این کشور و این بخش از جهان طی سال‌های اخیر در ایران تولید شده است. به عبارت دیگر، در پاسخ به پرسش ابتدایی پژوهش باید گفت این پژوهش‌ها جوابگوی نیاز علمی کشور و دستگاه‌های سیاستگذار نیست. مسئله نه فقط به کمیت این آثار، بلکه به کیفیت آن نیز بازمی‌گردد. این آثار از عمق و غنای کافی برخوردار نیستند و به لحاظ روش‌شناسی، استفاده از رویکردهای نظری، سناریونویسی و پیش‌بین آینده، بعد تجویزی و کاربردی از ضعف‌های جدی برخوردارند. براساس آنچه گفته شده، بخشی از مشکل به نبود استادان متخصص، نبود مقطع تحصیلات تکمیلی دکتری در دانشگاه‌های ایران، کمبود آثار مکتوب به فارسی، دشواری زبان‌های چینی، کره‌ای، ژاپنی، نبود فصلنامه‌های تخصصی، دسترسی سخت به مراکز آموزشی زبان‌های خارجی از جمله چینی و عدم جذابیت موضوعات پژوهشی این بخش از جهان برای پژوهشگران بازمی‌گردد. توجه ناکافی برای رفع مشکلات مذکور موجب خواهد شد تا در آینده نزدیک سیاست خارجی ایران برای رویارویی با شرایط پیش رو در عرصه جهانی با دشواری‌های جدی مواجه شود. این شرایط می‌تواند حتی اهداف ترسیم شده در سند چشم‌انداز بیست‌ساله برای سیاست خارجی ایران در منطقه را تیره و تار سازد و در صحنه اجرا ناکام گذارد. از این رو انتظار این است سیاستگذاران آموزشی هرچه سریع‌تر به رفع موانع و مشکلات پیش روی پژوهش و آموزش در حوزه جنوب شرق آسیا اقدام کنند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. اسلامی، سعید (۱۳۹۵). «بحران تصمیم‌گیری در بحران اتمی کره شمالی»، فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌الملل، ش ۲۶، ص ۱۶۶-۱۳۷.
۲. امینی، آرمن؛ و عظیمی، شمس (۱۳۹۲). «گروه چهار، تلاش برای عضویت دائم در شورای امنیت، زمینه‌ها و روندهای پیش رو»، فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی، ش ۱، ص ۲۲۰-۱۷۳.
۳. بزرگمهری، مجید (۱۳۸۷). «کاربردی‌سازی علوم سیاسی براساس نیازهای عینی بازار کار»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سوم، ش ۳، ص ۶۸-۴۷.
۴. تان، سی سنگ (۱۳۹۰). «جنوب شرق آسیا: نظریه و عمل در زمینه روابط بین‌الملل»، در: آرلن تیکنر و آلی ویور، دانش روابط بین‌الملل در چهار گوشه جهان، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مؤسسه ابرار معاصر تهران.
۵. تقی‌زاده انصاری، محمد (۱۳۹۵) «چین از ثروت به توسعه‌طلبی دریایی»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ش ۲۲، ص ۱۸۵-۱۶۳.

۶. چگنی‌زاده، غلامعلی (۱۳۸۶) «قدرت‌یابی چین رویکردی نظری به تغییر در سیاست بین‌الملل»، *دوفصلنامه سیاست*، سال نهم، ش ۲۲، ص ۴۰-۷.
۷. *خبرگزاری تسنیم* (۱۳۹۵/۲/۲۱). «تلاش ترکیه و چین برای گسترش زبان خود در جهان/ سهم زبان فارسی در دنیا چقدر است؟»، قابل دسترس در <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1395/02/21/1071114>
۸. خزایی، سعید؛ و محمودزاده، امیر (۱۳۹۲). *آینده پژوهی*، اصفهان: علم آفرین.
۹. *سازمان سنجش کشور* (۱۳۹۵). *دفترچه راهنمای انتخاب رشته آزمون سراسری سال ۱۳۹۵*، قابل دسترس در www.sanjesh.org/FullStory.aspx?gid=1&id=4617:
۱۰. سونگ یو دال (۱۳۸۹)، «کره شمالی بحران هسته‌ای و استراتژی بقا»، *فصلنامه سیاست خارجی*، ش ۲۶، ص ۱۳۴-۱۰۹.
۱۱. سید امامی، کاوروس (۱۳۸۷). «پارادوکس‌های آموزش روش‌شناسی علم سیاست در ایران: برخی راهکارهای عمل‌گرایانه»، *دانش سیاسی*، سال پنجم، ش ۲، ص ۱۵۲-۱۲۳.
۱۲. سیف‌زاده، حسین (۱۳۷۸). *اصول روابط بین‌الملل*، تهران: سمت.
۱۳. عرفان‌منش، محمدمین؛ و دیدگاه، فرشته (۱۳۸۸). «بررسی تألیفات مشترک ایران و کشورهای جنوب شرق آسیا در پایگاه وب آوساینس»، *فصلنامه پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران*، دوره ۲۴، ش ۴، ص ۱۰۲-۸۵.
۱۴. *عسگرخانی، ابومحمد؛ و محمودی، مهدی* (۱۳۸۸). «بررسی روابط قدرت‌های بزرگ شرق آسیا پس از فروپاشی اتحاد شوروی»، *فصلنامه مطالعات سیاسی*، سال اول ش ۵، ص ۳۷-۲۷.
۱۵. *فهرست نشریات علمی دارای اعتبار آبان‌ماه ۱۳۹۵* (۱۳۹۵). تهران: معاونت پژوهش و فناوری وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، قابل دسترس در: <https://rppc.msrt.ir>
۱۶. قاسمی، حاکم (۱۳۸۸). «تأثیر انقلاب اسلامی بر آموزش و پژوهش در علوم سیاسی»، در *بررسی وضعیت آموزش و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین‌الملل در ایران*، به اهتمام حسین سلیمی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، ص ۲۱۸-۱۸۵.
۱۷. *کتابخانه ملی ایران* (۱۳۹۶). *جستجوی کلیدواژه‌های چین، آمریکا، اروپا و... قابل دسترس در: www.nlai.ir*
۱۸. کشمیری، سید محمد (۱۳۹۲). «روابط آمریکا و چین، از همکاری اقتصادی تا رقابت استراتژیک»، *مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌المللی*، سال اول، ش ۲، ص ۱۱۲-۸۱.
۱۹. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴). *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، چ دوم، تهران: سمت.
۲۰. مشیرزاده، حمیرا؛ و مسعودی، حیدرعلی (۱۳۸۹). «نظریه و پژوهش در روابط بین‌الملل در ایران: مطالعه موردی رساله‌های دکتری»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، سال پنجم، ش ۲، ص ۱۸۸-۱۶۳.
۲۱. مشیرزاده، حمیرا؛ و مسعودی، حیدرعلی (۱۳۹۰). «دانش نظری دانشجویان روابط بین‌الملل مطالعه‌ای آسیب‌شناختی»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۱، ش ۳، ص ۲۸۴-۲۶۵.
۲۲. منوچهری، عباس؛ تاجیک، محمدرضا؛ حسینی بهشتی، سید علیرضا؛ کوثری، مسعود؛ حقیقت، صادق؛ و م‌نجاتی حسینی، (۱۳۹۴). *رهیافت و روش در علوم سیاسی*، چ هفتم، تهران: سمت.
۲۳. نیوری‌زاده، بهنام (۱۳۸۸). *آینده‌پژوهی، مفاهیم و روش‌ها*، تهران: مرکز آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی مؤسسه آموزشی تحقیقات صنایع دفاعی.
۲۴. نظری، علی‌اشرف؛ محروق، فاطمه؛ و عباسی خوشکار، امیر (۱۳۹۳). «ارزیابی میزان کاربست روش سناریونویسی در پژوهش‌های روابط بین‌الملل در ایران»، *فصلنامه رهیافت‌های سیاسی بین‌المللی*، سال ششم، ش ۳۹، ص ۴۲-۹.
۲۵. وانگ، بیوی (۱۳۹۰). «چین: بینابین نسخه‌برداری و نوآوری»، در: *آرلن تیکنر و آلی ویور، دانش روابط بین‌الملل در چهار گوشه جهان*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مؤسسه ابرار معاصر تهران.

ب) خارجی

26. Bremmer, Ian (2017). "How China's Economy Is Poised to Win the Future", **The Times**, 2 November 2017, Available at: <http://time.com/5006971/how-chinas-economy-is-poised-to-win-the-future/>
27. Trading, Economics (2018). "China GDP Annual Growth Rate", **Trading Economics**, Available at: <https://tradingeconomics.com/china/gdp-growth-annual>
28. Neomann, Iver.B & Øverland, Erik.F (2004). "International Relations and Policy Planning: the Method of Perspectivist Scenario Building", **International Studies Perspectives**, Vol. 5, Issue 3, 1 August 2004, PP. 258-277, <https://doi.org/10.1111/j.1528-3577.2004.00173.x>
29. Womack, Brantly (2017). "International Crises and China's Rise: Comparing the 2008 Global Financial Crisis and the 2017 Global Political Crisis", **The Chinese Journal of International Politics**, Volume 10, Issue 4, 1 December 2017, Pages 383-401, <https://doi.org/10.1093/cjip/pox015>.

